گزارش یک

مهسا گربندی

گره کور ترافیک با تغییر میدان به تقاطع حل نمی‌شود

طرح‌های کارشناسی‌نشده، ترافیک پایتخت را بیشتر می‌کند

هر روز ترافیک سنگینی در نقاط مختلف شهر ایجاد می‌شود، گویا خیابان تبدیل به یک پارکینگ متحرک شده که خودروها در آن، پشت سر هم ایستاده‌اند. تعـدادی از رانندگان دنبال راه فـرار می‌گردند، اما هیچ راهی نیسـت. آنها باید منتظر بمانند تا شاید دقایقی دیگر، گره کور ترافیک باز شـود. البته این ماجرا مربوط به یک روز و دو روز نمی‌شود، بلکه هر روز در خیابان‌ها و اتوبان‌های کلانشهرها و همچنین تهران در حال تکرار شـدن اسـت. به همین دلیل شهروندان ساعات زیادی از عمرشان را در خیابان‌ها می‌مانند و در نهایت با فشار روانی زیادی به مقصد می‌رسند. در این میان گاهی مسـئولان برای حل معضل ترافیک راهکار می‌دهند؛ مثلاً «تبدیل میدان به تقاطع» را چاره کار می‌دانند و طرح می‌دهند، اما آیا با این کار می‌شود مشکل ترافیکی را حل کرد؟

به تازگی یکـی از مقامات پلیس راهـور در یک برنامه تلویزیونی بـا تأکید بر اینکه میادین، بیشـتر کارکرد اجتماعی دارند تـا ترافیکـی، از چالش‌های ترافیکی میادین سخن گفته، او اعلام کرده که برخی از میدان‌ها مشـکلات ترافیکی ایجاد می‌کنند و بـرای هر کدام راهکاری در نظر گرفته‌اسـت. یکی از این میدان‌ها که پلیس از حذف آن سخن گفته، «میدان صنعت» واقع در شهرک غرب است. البته این اولین‌باری نیست که چنین تصمیمی برای حل چالـش ترافیکی میدان‌ها گرفته می‌شـود پیش از این در اراک، یزد و تهران نیز این کار انجام شده اما بیشتر شبیه به یک مسکن موقت می‌ماند تا حل اساسی مشکل ترافیک!

اقدامات این‌چنینی نباید با آزمون و خطا انجام شود

هرمز ذاکری، کارشناس حمل و نقل ترافیک در رابطه با طرح تبدیل میـدان صنعت به تقاطـع به «جوان» می‌گوید: «نباید اقدامـات این چنینی با آزمون و خطا انجام شود. باید همه ابعاد مختلف آن کارشناسی شود و مثلاً از الان تا ۲۰ سال آینده را هم دید. اصلاً محورها و تقاطع‌های اصلی باید طی برنامه‌های توسعه بلندمدت مورد بررسی قرار گیرد.»

او با بیان اینکـه چنین تغییر و تحولاتـی هزینه‌های زیادی دارد و بایـد به خوبی مورد ارزیابـی قرار گیرد، اظهار می‌دارد: «مسئولان باید از خود بارها و بارها سؤال بپرسند که اصلاً از کجا معلوم که این طرح نتیجه مثبتی داشته‌باشد و شاید اصلاً تأخیر و توقفی که رانندگان برای گذر از میدان دارند بهتر از ایجاد یک تقاطع باشد.»

ذاکری با اشـاره به هویت میدان‌های شـهر می‌گوید: «فضایی مثل شهرک غرب در تهران و میدان صنعت که در آن قرار گرفته‌اسـت، هویتـی دارد و حتی یک زیبایی بصری نیز به محیط می‌دهد. بنابراین علاوه بر بررسی مسیر ترافیک باید محوطه و منظره حاشیه راه نیز مدنظر قرار گیرد. بنابراین حتی اگر این کار به حل مشکل ترافیکی به صورت موقت نیز کمک کند، هم برای ساکنان منطقه تا مدت‌ها مشکل ایجاد خواهد شد هم زیبایی و هویت آنجا را از بین خواهد برد.»

این کارشناس حمل و نقل و ترافیک با بیان اینکه تعداد تقاطع‌هایی که روزی میدان بوده‌اند کم نیست، تصریح می‌کند: «یک زمانی میدان توحید را تبدیل به چند راه کردند تا مشـکل ترافیکی را حل کنند، اما حالا حجم زیادی از آشفتگی ترافیک در این نقطه مشاهده می‌شود. از طرفی باید به این مسئله توجه کرد که به دلیل افزایش تعداد خودروها و تردد آنها در سـطح شهر، حل کردن تنها چند نقطه ترافیکی از شهر مشکلی را حل نمی‌کند. بنابراین باید مطالعات گسترده‌تری در این زمینه انجام شود. به خصوص آنکه میدان صنعت در نزدیکی اتوبان همت که یک شریان اصلی است و همچنین انتهای نقطه پایانی اتوبان شیخ فضل‌الله قرار دارد.»

لزوم توجه به توسعه حمل و نقل عمومی

اگر حتی با تغییر میدان صنعت به تقاطع مشکل این نقطه حل شود، این مسـئله چقدر دوام خواهد آورد. آیا بعد از آن می‌شـود اتوبان دیگری ساخت یا عرض خیابان‌ها را بیشـتر کرد. ذاکری در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «قطعاً نه. از طرفی این اقدامات، راه‌حل اساسی نیستند. همانطور که در تمام دنیا به سراغ کاهش سفرها رفته‌اند، ما نیز باید تمام تلاشمان را به کار بگیریم تا به این سمت و سو حرکت کنیم.»

او ادامه می‌دهد: «مهم‌ترین مسئله میزان تقاضا برای سفر و فراهم کردن وسایل حمل و نقل عمومی مناسب برای پاسخ به این نیاز اسـت. وقتی میان این دو تعادل انجام شود، مشکل ترافیک حل می‌شـود. در غیر این صورت هر چه خیابان ساخته شـود و هر تعداد میدان تبدیل به تقاطع، زیرگذر و روگذر شود، مشکل ترافیک با قوت ادامه پیدا خواهد کرد، چراکه تعداد خودروها در خیابان‌ها و اتوبان‌ها روز به روز بیشـتر و بیشتر خواهد شد.»

این کارشـناس حمل و نقل و ترافیک اظهار می‌دارد: «عمده کشورها چندین دهه است که به توسعه حمل و نقل عمومی تأکید کرده‌اند. از طرفی از تکنولوژی‌ها و سیستم‌های هوشمند نیز کمک گرفته‌اند. آنها از پنج دهه پیش به این نتیجه رسیده‌اند که باید ناوگان عمومی و حمل و نقل همگانی را توسعه دهند و هر چقدر قصد سرمایه‌گذاری برای حل معضل ترافیک دارند، در این بخش به کار گیرند. ما نیز باید به این سمت و سو حرکت کنیم، اما متأسـفانه تا امروز نتوانستیم چراکه تا امروز اقدامات مؤثری انجام نداده‌ایم و نتیجه‌اش این اسـت که عمده شهرهای بزرگ کشور درگیر معضل ترافیک هستند.»

او بیان می‌کند: «چندین حلقه مفقـوده برای معضل ترافیک در شهرها وجود دارد. یک نمونه آن زون‌های طرح ترافیک است که بیشترین تراکم را در مرکز شهر ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی با فروش طرح ترافیک به خودروها اجازه تردد داده می‌شود و بدتر اینکه حتی در این اوضاع که آلودگی هوا زیاد شده نیز این کار انجام می‌شود.»

ذاکری به دوران شیوع کرونا اشاره می‌کند و می‌گوید: «در دوران کرونا تجربه‌ای کسب کردیم؛ اینکه با توسعه فناوری، عمده کارها را اینترنتی انجام دهیم، اما به مرور زمان این موارد به فراموشی سپرده شد و آنطور که باید و شاید مدنظر مسئولان و مردم قرار نگرفت. در صورتی که اگر مشوق‌هایی برای انجام کارها به صورت اینترنتی در نظر گرفته‌شود، بدون شک شهروندان به سمت کاهش سفر در طول هفته سوق پیدا خواهند کرد، اما در صورتی که نسبت به این مسائل و همچنین توسعه حمل و نقل عمومی بی‌توجه باشیم، بعید است که تبدیل میدان‌ها به تقاطع چاره کار باشد.»

میدان صنعت تفاوتی با چهارراه ندارد

مهرداد تقی‌زاده، کارشناس حمل و نقل و ترافیک نیز در این رابطـه می‌گوید: «این طرح یـا طرحی خنثی خواهد بود یا تغییر بسیار کمی در ترافیک ایجاد خواهد کرد، چراکه در حال حاضر این میدان، چراغ راهنمایی رانندگی دارد و تقریباً می‌توان گفت با اینکه یک میدان اسـت، اما عملکرد چهارراهی را دارد که با سبز یا قرمز شدن چراغ راهنمایی و رانندگی به صورت منظم حرکت می‌کنند، بنابراین به نظر من اگر هیچ کاری در آنجا انجام نشود، بهتر است.»

او ادامه می‌دهد: «وقتی یک اقدام پرهزینه خنثی باشد یا اثربخشی بسیار جزئی و کمی داشته‌باشد، نباید انجام شـود، چراکه موجب هدر رفتن بودجه خواهد شد. به همین دلیل باید بودجه این کار صرف امور مهم دیگری چون توسعه حمل و نقل عمومی شود تا معضل ترافیکی به صورت اساسی برطرف شود.»

تجارب ناکام

از سوی دیگر کارشناسان شهری معتقدند که میدان‌ها، واجد توانایی‌هایی برای احیا و تقویت زندگی شهری است و حذف آن عواقب و آسیب‌هایی را به دنبال دارد. به همین دلیل باید نسبت به تغییر میدان‌ها به تقاطع، زیرگذر و روگذر حساسیت زیادی به خرج داد؛ همچنین تجارب ناکامی طی سال‌های اخیر وجود داشته است که نشان می‌دهد تغییر میدان به تقاطع نتوانسته تأثیر چندان زیادی در کاهش ترافیک داشته باشد. مثلاً تغییر و تحول میدان ولیعصر به صورت یک مثال واضح مقابل چشم همگان قرار دارد. با این تفاسیر به نظر می‌رسد در تغییر ماهیت میدان صنعت و تبدیل آن به چهارراهی بزرگ، این موارد نادیده گرفته شـده و قرار اسـت که آرامش شهروندان قربانی سرعت تردد خودروسواران شود. البته پیش از این محسن هرمزی، معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران به «جوان» گفته بود: «با سیل عظیمی از خودرو مواجه هستیم که روز به روز تعداد آنها اضافه می‌شود، همچنین قرار نیست خیابان جدیدی اضافه شود. بنابراین نمی‌توان با نسخه‌های گذشته کار کرد و باید قواعد جدیدی را وضع و تعریف کنیم.» به طور حتم تبدیل میدان صنعت به تقاطع قاعده جدیدی نیست و مسـئولان حوزه ترافیکی باید با همفکری و هم‌افزایی چاره دیگری در این رابطه بیابند.

ویژه

آزادی ۵ هزار و ۶۰۵ زندانی غیرعمد طی ۸ ماه

به همت خیریـن از ابتدای فروردین تـا پایان آبان سال‌جاری تعداد ۵ هزار و ۶۰۵ زندانی بدهکار مالی و محکوم به پرداخت دیات غیرعمد به همت ستاد مردمی دیه از بند رهایی یافته‌اند.

سـید اسـدالله جولایی، رئیس هیئت امنای سـتاد دیه کشـور با تقدیر از همراهی اقشـار مختلف اجتماعی در راستای مساعدت از زندانیان جرائم غیرعمد اظهار کرد: در هشت ماهه نخست سال ۲۵۶ زن و ۵هزار و ۳۴۹ مرد که بابت ارتکاب جرائم غیرعمد و متحمل شدن به پرداخت خسارات جانی و مالی ناشی از وقوع تصادفات رانندگی یا سوانح کارگاهی با رقم بدهی بالغ بر ۷هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان روانه زندان‌ها شـده‌بودند، از بند آزاد شـدند و به آغوش گرم خانواده‌های خود بازگشـتند که این آمار در مقایسه با تعداد آزادی‌های صورت گرفته در هشت ماهه سال ۱۴۰۱ رشد ۱۸ درصدی دارد.

وی با اشـاره بـه ماهیت مردمـی این نهـاد حمایتی در پیشـگیری از ورود ناخواسـته افراد به زندان‌ها و آزادی بدهکاران غیربزهکار گفت: ستاد دیه با جلب کمک‌های مردمی در قالـب برپایی آیین‌های گلریـزان حضوری و مجازی و همچنین جـذب حمایت‌های مالـی ایران در خارج از کشـور که همواره به‌رغم دوری از زادگاه‌شـان، دغدغه حل مشکلات معیشـتی هموطنان خود را دارند توانسته از ابتدای تأسیس خود در سال ۱۳۶۹ تا به امروز زمینه آزادی بیش از ۱۶۰ هزار دربنـد دردمند را فراهم نماید که عمده این محبوسـان سرپرستان خانواده‌های کم‌برخوردار بودند.

وی با بیان اینکه نمایندگی سـتاد دیه اصفهان با تکیه بر کمک‌های نوعدوستانه مردمی، ضمن آزادی ۵۴۷ زندانی جرائم غیرعمد طی هشت ماهه امسال در رأس فهرست آزادی‌ها قرار دارد، گفت: بعد از اسـتان فعال اصفهان در آزادی ۱۵ زندانـی زن و ۵۳۲ محکوم مالی مـرد با رقم بدهی نزدیک به ۶۰۰ میلیارد تومان نمایندگی ستاد دیه در استان آذربایجان غربی و تهران قرار دارند که به ترتیب هر کدام در بازه زمانی یاد شده زمینه آزادی ۴۷۰ و ۳۳۸ زندانی غیرعمد را فراهم کرده‌اند.

سیداسدالله جولایی در پایان با اعلام آمار زندانیان جرائم غیرعمد در کشور گفت: از اشخاص حقیقی و حقوقی تقاضا می‌شود در حمایت از جمعیت ۱۰ هزار و ۶۴۳ نفره‌ای که هم‌اکنون نه با ارتکاب اعمال مجرمانه بلکه به صرف ناتوانی در ادای دین و محکومیت‌های مالی رهسپار زندان شده‌اند، همیار ما در ستاد دیه باشید تا در قالب پویش‌هایی تحت عنوان «یلدای رهایی» و «زندان جای مادران نیست» که ویژه واپسـین روزهای پاییز راه‌اندازی‌شده شاهد آزادی حداکثری جمعیت واجدین شرایط باشیم.

گزارش ۲

محیا حسینی

یلدای معوقه معلمان!

معلمان به‌رغم وعده‌های قبلی حقوق و معوقات را دریافت نکرده‌اند، از بسته‌های یلدایی سایر کارکنان دولت هم خبری برای معلمان نیست

یلدایـی تلخ؛ این عبارتی اسـت کـه معلمان در توصیف آخرین روز پاییز یـاد می‌کنند. برخی از آنها که سرپرست خانواده هستند و از شرمندگی خود مقابل خانواده‌شـان حرف می‌زنند و برخی دیگـر از تبعیضی آشـکار که میان آنها و سـایر کارمندان دولت اسـت، صحبت می‌کنند. بارها و بارها مشکلات پرداخت حقوق و معوقات معلمان در رسانه‌ها مطرح‌شـده و هر بار وزارت آموزش و پـرورش و سـازمان برنامه و بودجه تـوپ را به میدان یکدیگر انداختند، اما معلمان و کادر اداری آموزش از این مسئله آسـیب دیده‌اند، چراکه با پرداخت نکردن به موقع معوقاتشان، فشار مالی و به دنبال آن فشـار روحی بسـیاری را متحمل شدند. حال این‌بار آنها از عملکرد مسئولان برای واریز حقوق آذرماه‌شان گلایه دارند چراکه شب یلدای آنها و خانواده‌شان را نادیده گرفته‌اند؛ هم از جهت واریز نشدن چند روز زودتر برای حقوق آذرماه و معوقاتشان برای تدارک شب یلدا و هم از جای خالـی رفاهیاتی بابت این شـب در فیش حقوقی‌شان.

قدم به قدم در خیابان‌ها، تدارکات شـب یلدا آماده شده‌است. برخی از فروشـگاه‌ها با تغییر دکورشان به شـکل هندوانه و آویزان کردن چند بادکنک به رنگ‌های قرمز و سـبز، خبر از رسـیدن شب یلدا را می‌دهند. برخی از افراد به اندازه وسـع مالی‌شـان، اقلامی را می‌خرند تا آخرین شـب فصل پاییز را در کنار خانواده بگذرانند، اما برخی از جمله فرهنگیان به دلیل اینکـه حقوق و معوقاتشـان را نگرفته‌اند و همانند سـایر کارکنان دولت رفاهیاتی مثل شـب یلدا را ندارنـد، از خرید هرگونـه خوراکی و کالایی محروم شده‌اند. در چنین شرایطی چگونه می‌توان انتظار داشـت که آنها خـلاق و پرانگیـزه بمانند و استعدادهای دانش‌آموزانشان را شکوفا کنند. وقتی خودشان با مشکلات مالی و بلاتکلیفی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

رفاهیاتی که نیست

متأسـفانه این روزها حال معلمان خوش نیسـت. نداشتن پاداش و رفاهیات و همچنین متوازن نبودن حقوق آنها با حداقل شاخص رفاه موجب نارضایتی بسیاری از آنها شده‌است. از طرفی کارمندان بسیاری از ارگان‌های دولتی در بسـیاری از مناسـبت‌های مذهبی و اعیاد از کمک هزینه‌های معیشتی نقدی و غیرنقدی برخوردار می‌شـوند. کمک‌هزینه‌هایی که تاکنون هیچ کدام از آنها شـامل حال فرهنگیان نشده و به جز مبلغ جزئی که طی دو سال اخیر تحت عنوان هدیه روز معلم برایشان واریز شده هیچ عیدی و رفاهیات دیگری نداشته‌اند.

خانم رستمی که ۱۰ سال به شغل معلمی مشغول است، به «جوان» می‌گوید: «نمی‌دانم وزارت آموزش و پرورش از چه زاویه‌ای به وضعیت این روزهای معلم نـگاه می‌کند که مـدام از عملکرد خـود تعریف و تمجید می‌کند و به خـودش مهر صدآفرین و هزار آفرین می‌زند. معلمان با معیشـت سخت، سقوط مالی و فرو رفتن در گرداب تورم دست و پنجه نرم می‌کنند. همه ما منتظر بودیـم تا طرح رتبه‌بندی سبب شود ارزشی بر فیش‌های حقوقی‌مان بیاورد، اما این اتفاق نیفتاد. بدتر اینکه رفاهیات، فوق‌العاده ویژه و معوقات رتبه‌بندی و پاداش بازنشستگان هم در هاله‌ای از ابهام باقی مانده‌است. کاش مسئولان وزارت آمـوزش و پرورش کمی از نـگاه معلمان به ماجراهای پیش آمده نگاه کنند تا بتوانند بخشی از روزهای سختی را که آنها می‌گذرانند، درک کنند.»

او با اشاره به شب یلدا ادامه می‌دهد: «روزهای سخت که با رسیدن یک مناسبت شـادکننده سخت‌تر و سخت‌تر هم می‌شود. شب یلدای امسال تکرار شب عید ۱۴۰۲ برای معلمان است؛ یعنی تکرار مکررات، یعنی شرمندگی معلمان نزد خانواده‌هایشان. اینها عملکرد واقعـی وزارت آموزش و پرورش را نشـان می‌دهد نه آن چیزی که خود مسـئولان امر پشت تریبون حاضر می‌شـوند و هر آنچه را می‌خواهند، مطرح می‌کنند.»

اسماعیل جعفری نیز یکی دیگر از معلمانی است که از عملکرد آموزش و پرورش گلایـه دارد. او در این رابطه می‌گوید: «یلدای تلخ را هم به افتخارات وزارت آموزش‌وپرورش اضافه کنید. چه باید گفت به وزارتی که حتی نمی‌تواند پیش‌بینی کند پایان آذرماه، همه مردم ایران مقدمات نشست شب یلدا را مهیا می‌کنند و این وزارت نمی‌تواند حقوق عادی معلمان را پنج روز قبل از پایان ماه پرداخت کند و تازه دو روز مانده به پایان پاییز، بخشنامه کرده که معوقات را از لیست حقوقی حذف کنید و اسناد را مجدداً بارگذاری کنید! یعنی حتی پرداخت حقوق عادی هم قطعی‌نشده و معلمان باز هم باید شرمنده خانواده خود باشند که باز هم از تهیه مایحتاج عادی در یک شب معمولی هم عاجزند. واژگان را بگردید، شاید واژه‌ای در خور این‌همه مظلومیت معلم پیدا کردید.»

او ادامه می‌دهد: «نداشـتن رفاهیات و مشـکل در پرداخت حق بیمه تکمیلی از دیگر مشکلات معیشتی فرهنگیان اسـت. طبـق مصوبه دولت بـا موضوع «پرداخت مزایای جانبی به کارمندان (رفاهیات)» و ابلاغ آن، وزارت آموزش و پـرورش باید مبالغی را تحت عناوین کمک‌هزینه مسکن، کمک‌هزینه غذا، کمک‌هزینه ایاب‌وذهاب، پاداش تشـویقی، پاداش رضایت مردم، تسهیلات بانکی، پاداش فرزندآوری، کمک‌هزینه مهدکودک، تسهیلات رفاهی، تفریحی، ورزشی و رفاهیات مناسبتی به فرهنگیان پرداخت کند. طبق ماده ۷ مصوبه دولت، تمامی دسـتگاه‌ها از جمله وزارت آموزش‌و پـرورش علاوه بر پرداخت موارد فوق، مکلف به اجرای بیمه تکمیلی استاندارد و مناسـب برای کارکنان خود هستند. (در ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری نیز بر این مورد تأکید شده‌است.) با این حال آموزش و پرورش که موظف است به عنوان کارفرما، قسمتی از حق بیمه تکمیلی را پرداخت کند، از این کار سرباز می‌زند و این مبلغ را از رفاهیات کسر می‌کند و در حقیقت آن را از جیب خود معلمان می‌پردازد.»

به گفته این معلم، وزارت ادعا می‌کند که به معلمان رفاهیات پرداخت کرده ولی همان مبلغ را بابت سهم کارفرما یعنی «خودش» از حقوق معلم کسر می‌کند. در حالی که پرداخت این مبلغ سهم کارفرما و بر عهده وزارت آموزش و پرورش است.»

معوقات معلمان جدید پرداخت می‌شود!

روز گذشته معاون وزارت آموزش و پرورش از پرداخت حقوق آذرماه معلمان به همراه معوقات رتبه‌بندی خبر داد. علی فرهادی، معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش گفت: «با وجود محدودیت در منابع با دستور معاون اول رئیس‌جمهور و همکاری سازمان برنامه و بودجه حقوق آذرماه معلمان بسته شد. در آذرماه آن دسته از معلمان جدیدالاستخدام و دانشـجو معلمان ورودی مهـر ۱۴۰۲ که احکام کارگزینی آنها صادر شده‌است، حقوق ماه‌های مهر، آبان و آذر را نیز دریافت می‌کنند.»

فرهادی ادامه داد: «طی تعامل سازنده میان سازمان برنامه و بودجه و وزارت آموزش و پرورش و مساعدت معاون اول رئیس‌جمهور مقرر شد معوقات اعتراضات رتبه‌بندی معلمان در سال ۱۴۰۲ پرداخت شود.»

او گفت: «تـلاش وزارت آموزش و پـرورش و دولت سیزدهم این است که با حرکت در مدار قانون و نظم فضای حاکم بر آمـوزش و پـرورش آرام و به دور از دغدغه خاطر معلمان باشد تا بتوانند دانش‌آموزانی خلاق و مبتکر تربیت کنند.»

هنوز مشخص نیست که سرنوشت وضعیت پرداخت حقوق معلمان در آخرین روز از فصل پاییز چگونه رقم بخورد، چراکه معاون وزارت آموزش و پرورش تنها از پرداخت معوقات معلمان جدید سـخن به میان آورده‌است. از سـوی دیگر، معلمان خاطره خوشی از آخرین روز اسفند ماه ۱۴۰۱ و عید نوروزی که به کامشان تلخ شد، ندارند، حالا با ناامیدی تمام، چشم انتظار مانده‌اند تا ببینند حقوق آذرماه‌شان همراه با معوقات واریز می‌شود یا اینکه این‌بار نیز پای یک وعده بی‌عمل دیگر در میان است.

گفتنی اسـت که حتی اگر این وعده محقق شـود، ضروری اسـت پس از گـذر از این مرحلـه، هر چه سـریع‌تر تبعیضی که میان کارمندان دستگاه‌های مختلف و معلمان وجود دارد برای همیشه برداشته شود تا معلمان انگیزه کافی برای ارائه بهترین عملکرد خود در مدارس داشته‌باشند و با خیال آسوده تمام تلاششان را به کار گیرند تا نسل آینده‌ساز کشور را به بهترین شکل ممکن تربیت کنند.

یادداشت

محدثه امامی‌نیا / پژوهشگر حوزه زنان

حجاب و نقش آفرینی بانوان در تحقق تمدن نوین اسلامی

در مطالعات تاریخی با پدیده‌ای روبه‌رو می‌شویم که تمام معادلات بشر را به هم می‌ریزد؛ به وجود آمدن یک تمدن عظیم از کویر! عده‌ای که حتی سواد خواندن و نوشتن هم نداشتند، تمدنی را پی‌ریزی کردند که توانست تمدن‌های دیگر را حذف کند؛ تمدن‌هایی که هر حرکتشان مبتنی بر حرکات قبلی‌شان بوده و بر خلاف تمدن اسلامی به مرور و در زمانی طولانی به آن جایگاه رسیده‌بودند.

تمام آن سـال‌هایی که تمدن اسـلامی تمدن برتر بود، دانشـمندان برجسته کسانی شدند که می‌توانستند چیزی از آثار اسلامی را بفهمند. تمدن غرب در تمام سال‌های بعد از غلبه تمدن اسلامی مشغول تغذیه از آن بوده‌است و امروز هم دنیا مدیون تمدن اسلامی است.

در این زمان هدف غایی و چشم‌انداز ایران و انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن نوین اسلامی و ارائه به تمام دنیا است؛ تمدنی که علاوه بر اسلامی بودن، متناسب با این زمان باشد. برای تحقق این هدف والا باید بدانیم که مقصودمان از تمدن نوین اسلامی چیست و هر کدام از افراد جامعه در این مسیر چه نقشی برعهده دارند.

مقصود از تمدن نوین اسـلامی را می‌توان «رشـد اخلاقی و معنوی و روحی در کنار پیشرفت زندگی مادی» دانست که دو بخش «ابزاری» و «حقیقی و اصلی» دارد.

بخش ابزاری آن مربوط به ارزش‌هایی است که به عنوان پیشرفت مطرح می‌کنیم، مثلاً علم، سیاست و اقتصاد.

بخش حقیقی و اصلی آن چیزهایی اسـت که متن زندگی را تشکیل می‌دهد که همان سـبک زندگی است؛ مثل مسـئله خانواده، الگوی مصرف، نوع لباس، تفریحات، رفتار ما در دانشگاه و محل کار.

حالا اگر ما در بخش حقیقی یا به عبارتی نرم‌افزاری تمدن پیشـرفت نکنیم، پیشرفت‌هایی که در بخش ابزاری یا سخت‌افزاری داشته‌ایم ما را رستگار نمی‌کند و آرامش و امنیت به ما نمی‌دهد.

از این‌رو برای تحقق هدف انقلاب نیاز به نسـلی داریم که خودساخته است، دارای هویت است، دلباخته بازمانده‌های منسوخ تمدن غرب و شرق نیست و با سبک زندگی اسلامی و سنت‌های ایرانی آشنا است؛ این نسل می‌تواند آن تمدن را بسازد.

می‌دانیم که هویت انسان به فرهنگ اوست و تمدن متکی به فرهنگ؛ اگر فرهنگ قوی و غنی وجود نداشته‌باشد نمی‌توان تمدن را به وجود آورد.

فرهنگ نیز مجموعه عناصر سازنده فکر و عمل انسان است که متکی به فکر، اندیشه و جهان‌بینی است؛ یعنی نوع تلقی انسان و مجموعه انسانی از جهان و آفرینش که پایه اصلی فرهنگ و تمدن است.

ما برای تشـکیل تمدن نوین اسـلامی باید بـه بن‌مایه‌های فرهنگی مشخص شده توسط اسـلام بپردازیم که عبارت اسـت از خردورزی، اخلاق و حقوق.

در این مسیر توجه به دو نکته مهم است:

۱- رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی که ما برای زندگی معین و ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌دهد.

۲- باید از تقلید به شدت پرهیز شـود؛ زیرا تمدن غرب مهاجم است و سعی دارد روش‌های زندگی و سبک و سـلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کند. هر جا کـه غربی‌ها وارد شـدند، فرهنگ‌هـای بومی و بنیان‌های اعتقادی را نابود کردند؛ برای مثال کشـف حجاب در زمان رضاشاه.

فرهنگ غربی یک فرهنگ مهاجم اسـت که هویـت ملت‌ها را از بین می‌برد، فکرها را مادی و هدف زندگی را پول می‌کند.

باطن فرهنگ غربـی عبارت اسـت از همان سـبک زندگـی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود.

اما نقش زنان در این مسیر چیست و حجاب چه ارتباطی با تحقق تمدن نوین اسلامی دارد؟

در ابتدا باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست؛ هم زنان و هم مردان. اما در این یادداشت اختصاصاً به نقش زنان و حجاب می‌پردازیم.

یکی از حدود و ثغور ایجاد تمدن نوین اسلامی مواجهه با تمدن غرب اسـت، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد. یکی از مسـائل مهمی که نباید تقلیدی صورت بگیرد، مسئله پوشاک است. حجاب، نسخه اسلام و فرهنگ اسلامی-ایرانی اسـت که غرب به تقابل و تخریب آن پرداخته‌است.

یکی دیگر از نکات قابل توجه برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی که اصل قضیه است، درست کردن سبک زندگی، رفتار اجتماعی، اخلاق عمومی و فرهنگ زندگی است.

در اینجا زنان بسیار اثر گذارند، هم خودشان نقش دارند، هم نسلی که تربیت می‌کنند.

گفته شد که برای رسیدن به هدف، نیاز به نسلی داریم با ویژگی‌هایی و این نسل را مادران تربیت می‌کنند. اگر زنی به تقلید از فرهنگ و تمدن غربی برخاست، در زمینه‌های مختلف که پوشش به دلیل اثرگذاری بر محیط و روابط، یکی از مهم‌ترین آنهاست، نمی‌تواند نسلی تربیت کند که دلباخته تمدن غرب نباشد.

انتخاب پوشش در بخش حقیقی تمدن بسـیار مورد توجه است، زیرا یک رفتار اجتماعی است و به دنبالش یک سبک زندگی به وجود خواهد آمد. سبک زندگی فردی که حجاب را انتخاب کرده، متفاوت از یک فرد بی‌حجاب است؛ برای مثال در حالت اول، زمان و هزینه‌ای برای کارهایی مانند آرایش برای خودنمایی گذاشته نخواهد شد، پس الگوی مصرف متفاوتی خواهند داشت.

انتخاب حجاب نشان‌دهنده تفسیر فرد از زندگی و هدف‌های اوست. نشـان‌دهنده این اسـت که این خانم به دنبـال چیزهایـی فراتر از زیبایی‌های ظاهری و جلب‌توجه افراد با ظاهر خود است.

می‌توان حجاب زنان را از دو منظر اصلی، نقش‌آفرینی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی دانست:

اول آنکه زنان با حجاب، از فرهنگ غرب تقلید نکرده و از فرهنگ اسلامی پیروی کرده‌اند که هم خودشان و هم نسـلی را که تربیت می‌کنند از دلباختگی به هر فرهنگی به جز فرهنگ اسلامی دور می‌کند.

دوم آنکه می‌توانند با حجاب خود سبک زندگی، فرهنگ زندگی، رفتار اجتماعی و اخلاق اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار دهند و جامعه را محیطی به دور از هیجانات جنسی قرار دهند تا بتوان به بن‌مایه‌های فرهنگی گفته‌شده پرداخت.

در نهایت حجاب زنان به مثابه پرچم و نماد است؛ نشان‌دهنده فرهنگی اسـت که افراد از آن پیـروی می‌کنند و بی‌هیـچ گفت‌وگویی، به هر بیننده‌ای پیامش را می‌رساند.

زنان باحجاب علاوه بر اینکه خودشان در این تمدن‌سازی نقش دارند و از فواید حجاب بهره می‌برند، این هدیه الهی را به دیگر زنان عالم نیز عرضه می‌کنند تا آنها با انتخاب و تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند و بدین‌وسیله تمدن اسلامی برای بشریت و در سراسر دنیا مطرح خواهد شد.